گزارش صعود به قله سرماهو

اسامي اعضاي شركت كننده در برنامه:
محسن انواري، ميثم افشاري، رضا لطفيان، سيامک علي‌ميرزازاده، محمد مينايي، ميرعلي حسيني، احمد عليزاده، ياشار داوودي، حسين سرافراز، احسان حسين نژاد، شاهين مقيمي، حامد زابلي، وجيهه دخيلي، سارا ميرزاييان، زينب محمودآبادي، عباس علينژاد (مربي)، مرتضي گنجايي ساري (سرپرست)

صبح روز پنج‌شنبه ساعت ۷:۳۰ با سوار شدن اعضاي تيم در دو ميني‌بوس دانشگاه در مقابل در شمالي (رشت) برنامه آغاز گرديد. مقصد روستاي وارنگه‌رود بود. براي رسيدن به اين روستا مي‌بايست از طريق جادة چالوس به سمت دوراهي ديزين كه كمي بعد از گچسر واقع است، حركت مي‌كرديم. بعد از رسيدن به دوراهي ديزين و پيمودن حدود ۵ كيلومتر در اين جادة فرعي، يک خروجي فرعي ديگر نيز در سمت چپ جاده پديدار مي‌شد كه همان مسير رسيدن به روستاي وارنگه‌رود است. لازم به ذكر است كه اين جاده تا انتها يعني تا روستاي وارنگه‌رود آسفالت است و جادة نسبتا مناسب و بي-خطري مي‌باشد. هر دو ميني‌بوس ها در ساعت ۹:۴۰ به روستا رسيدند. قبل از رسيدن ما، بارش زيباي برف پاييزي آغاز شده بود و به همين دليل برنامه با طراوت خاصي آغاز شد. بارش به نحوي بود، كه مجبور به استفاده از لباسهاي ضد آب خود شديم و روكش كوله‌ها بر روي آنها كشيده شد. بعد از تعويض لباس و برداشتن چادر از داخل ماشينها و گذاشتن لوازم اضافه در داخل، آنها به سرعت به سمت تهران بازگشتند تا روزة رانندگان در آخرين روز از ماه مبارک رمضان صحيح باقي بماند. به دليل همين عجله و همچنين به دليل عدم هماهنگي سرپرست و مسئول تداركات برنامه، بخشي از صبحانة روز دوم برنامه كه عبارت از يک بسته پنير و دو بسته خرما بود، در داخل يكي از ماشينها باقي ماند.

بعد از آماده شدن اعضا، در ساعت ۱۰:۰۰ از ميان روستا به سمت محل كمپ كه طبق صحبت راهنما حدود ۷ ساعت تا آن راه داشتيم، حركت كرديم. روستاي وارنگه‌رود روستاي سرسبز و زيبايي است كه در آن ويلاهايي بسيار زيبا نيز ساخته شده است و به نظر مي‌آيد محل ييلاقي شلوغي باشد. عليرغم انتظار ما، بارش برف بيشتر و بيشتر مي-شد و با توجه به بالا بودن نسبي دماي هوا، برف، كاملا مرطوب و خيس كننده بود. مسير كه همان درة وارنگه رود بود در ابتدا، مسيري كاملا هموار و بدون شيب بود و دو طرف آن را رشته‌كوههاي زيبا و نسبتا مرتفعي، احاطه كرده بودند.

بعد از گذشتن از كنار و گاهي اوقات از روي رودخانة پرآب مسير، به يک دو راهي رسيديم كه مسير ما، از راه سمت چپ ادامه مي‌يافت. پس از كمي استراحت به راه خود ادامه داديم؛ از اينجاي مسير شيب نسبتا ملايمي شروع شد. بارش كماكان ادامه داشت و منطقه را سراسر سپيدپوش كرده بود. با زياد شدن ارتفاع، از رطوبت برف هم كاسته شده بود. پس از حدود سه و نيم ساعت كوهپيمايي در ساعت ۱۳:۳۰ به محلي كه گفته مي‌شد محيط باني منطقه است، رسيديم. اين محيط باني يک اتاق كوچک با سقفي خراب بود؛ ولي در آن وضعيت بارش و خستگي بعضي از اعضاي تيم، غنيمتي بود. خوشبختانه در آن باز بود و همة تيم در آن جا گرفت. در ابتدا قرار بود بعد از كمي استراحت و خوردن ناهار، به سمت محل كمپي كه در نظر داشتيم و حدود ۳ ساعت با ما فاصله داشت، حركت كنيم. با توجه به فاصله، تيم در ساعات تاريكي به محل مي‌رسيد؛ بنابراين سرپرست برنامه با توجه به وضعيت هوا كه هنوز بارش ادامه داشت و همينطور وضعيت تيم كه شامل نفراتي بود كه تجربة شب‌ماني و كمپ زدن در كوه را نداشتند، تصميم گرفت تيم در همان محل محيط باني، كمپ را برپا كند. بعد از اعلام اين خبر، نفرات لباسهاي گرم خود را پوشيدند و آمادة خوردن ناهار شدند.

با توجه به جاي كم اتاق محيط باني مي‌بايست تعدادي از چادرها را نيز در بيرون از آن برپا مي‌كرديم. بعد از مدتي بارش ايستاد و براي مدتي هوا آفتابي شد كه اين موضوع باعث آب شدن برفهاي روي سقف و سرازير شدن آب به داخل اتاق شد. دو نفر از بچه‌ها براي روبش سقف و چند نفر براي برپا كردن چادرها اقدام كردند. بي‌تجربه‌ها هم براي برپا كردن چادرها همكاري كردند تا برنامه كمي جنبة آموزشي نيز داشته باشد. البته اين جنبه با حضور آقاي علينژاد پررنگ تر هم شده بود و ايشان نكات لازم و ضروري را با رويي گشاده در جاي جاي برنامه به نفرات تيم مي‌گفتند. بعد از تمام شدن اين كارها اعضا

آزاد بودند تا به كارهاي خود برسند. تنها ساعت خاموشي، بيدار باش و حركت كه به ترتيب عبارت بودند از ۲۲:۰۰، ۵:۰۰ و ۶:۰۰ توسط سرپرست اعلام شد. لازم به ذكر است كه اعضايي كه از تجهيزات مناسب برخوردار بودند و تمايل داشتند، به چادرها كه سه عدد بودند، منتقل شدند؛ بقيه در داخل اتاق محيط باني ماندند.

بعد از تاريک شدن هوا، تمامي اعضا در داخل اتاق جمع شدند تا يک جلسة آشنايي برقرار شود. در اين جلسه همگي خود را معرفي كردند و سابقه‌اي از كوهنوردي خود را بيان كردند. آقاي علينژاد نيز به بيان نكاتي جالب و آموزنده از كوهنوردي پرداختند. بعضي‌ها هم با گفتن صحبتهاي طنز آميز، براي بچه‌ها لبخندي به ارمغان آوردند!

در نهايت آنهايي كه قرار بود در داخل بمانند، ماندند و بقيه به چادرهاي خود بازگشتند. افراد آزاد بودند تا به كارهاي دلخواه خود از جمله خوردن، استراحت كردن و ... بپردازند. بعد از فرا رسيدن ساعت خاموشي سر و صداها خوابيد و به نظر مي‌آمد كه افراد به خواب رفته‌اند.

صبح ساعت ۵ سرپرست از چادر خود بيرون آمد و بچه‌ها را بيدار كرد؛ البته بعضي‌ها خودشان بيدار شده بودند. آسمان كاملا صاف شده بود و از ابرهاي روز قبل خبري نبود. بعد از خوردن صبحانه اعضاي تيم نهايي كه شامل ۱۳ نفر بود (بقيه به دليل عدم آمادگي و يا كمبود تجهيزات در كمپ ماندند) با نيم ساعت تاخير در ساعت ۶:۳۰ حركت كرد. مسير در ابتدا با شيب ملايمي شروع شد. سرعت تيم متوسط ولي پيوسته بود.

بعد از حدود ۲ ساعت به گردنه‌اي به نام گردنة سوتک رسيديم. در اين قسمت کفي نسبتا پهني وجود داشت که قرار بود محل شب ماني آنجا باشد. در اينجا قلة زيباي آزادکوه نيز نمايان شده بود که زيبايي‌اش دو چندان به نظر مي‌آمد. بعد از گرفتن عکسهاي متعدد توسط دوربين داران، به حرکت خود ادامه داديم.

وضعيت هوا نيز رو به تغيير گذاشته بود و مقداري ابر سياه در آسمان ديده مي‌شد. يکي از اعضاي تيم به دليل سرماخوردگي قادر به ادامة مسير نبود. يکي از اعضا نيز به کندي به راه خود ادامه مي‌داد که با نظر سرپرست هر دو به کمپ بازگشتند. بعد از مدتي صعود و طي يک مسير تراورسي تقريبا طولاني سه قلة خط الراسي کمانکوه، سرماهو و يخچال پديدار شدند. در ابتدا قرار بود در صورت داشتن زمان کافي هر سه قله صعود شوند که با توجه به کمبود وقت و ناپايداري هوا سرپرست تصميم به صعود قلة سرماهو

(هدف اصلي) گرفت. بنابراين تيم راه خود را از طريق دهليزي پر برف و با شيب تند ادامه داد.

اين دهليز به يالي مي‌رسيد كه مستقيما به خط الراس منتهي به قله، ختم مي‌شد. اين قسمت از مسير احتياج به دقت فراوان داشت و به همين دليل طي كردن آن طولاني‌تر از آن چيزي شد كه به نظر مي‌آمد. در نهايت بعد از اتمام اين مسير و رسيدن به خط الراس به نزديكي قله رسيديم و بعد از يک ربع تيم در ساعت ۱۱ به قله رسيد.

بعد از خواندن سرود و عکس انداختن و البته کمي خوردن! تيم به سمت پايين رهسپار شد. براي پايين آمدن از مسير پرشيب صعود استفاده نشد و مستقيما از دهليز پر برف استفاده شد که براي فرود مناسبتر بود. ادامة مسير مشابه مسير صعود بود. بعد از حدود ۲ ساعت و ربع تيم در ساعت ۱۳:۲۰ دقيقه به محل کمپ رسيد. بعد از ناهار و جمع کردن وسايل تيم به سمت روستا حرکت کرد. به دليل تاخير بعضي از اعضا در آماده شدن، تيم به دو دسته تقسيم شد و يک دسته در ساعت ۱۴:۱۵ و دستة ديگر در ساعت ۱۴:۴۵ راه افتادند. بعد از رسيدن همگي اعضا به روستا در ساعت ۱۷:۰۰ همگي سوار ميني‌بوسها شدند و برنامه در ساعت حدود ۲۰:۰۰ که ماشينها به تهران رسيدند به اتمام رسيد.

مرتضي گنجايي

پانوراماى البرز از روى قله

عکس ها از : شاهين مقيمى، ياشار داوودى